انتظار پويا(2(

 آيه الله محمد مهدي آصفي

اشاره‌

ياري كنندگان حضرت مهدي(عج) دوگروه هستند كه در قيام آن حضرت مشاركت مي‌كنند. گروه نخست زمينه سازان كه بستر ظهور و قيام را فراهم مي‌سازند و گروه دوم انصار امام زمان مي باشند.

نوشته‌ي حاضر،‌ چهار گروه از زمينه سازان قيام را بررسي مي‌كند كه از مشرق، خراسان، قم و ري و يمن هستند و نيز به دو گروه از انصار كه گروهي را محكم و استوار و گروهي ديگر را مبارزه با نافرماني مي‌گويند، مي‌پردازد.

به دنبال آن برنامه‌ي زمينه سازان و انصار را كه در روايات مطرح شده است،‌ بيان مي‌كند.

‌گروه‌ <زمينه‌سازان> در منابع‌ اسلامي‌

‌دسته‌اي‌ از روايات‌ كه‌ مؤ‌يد يكديگرند، از شيعه‌ وسنّي، دربارهِ‌ گروه زمينه‌سازان‌ رسيده‌ است. اين‌ نصوص‌ برخي‌ مناطق‌ معروف‌ اسلامي‌ را كه‌ اين‌ گروه‌ از آنجا برخواهند خاست، مشخص‌ كرده‌اند. مهم‌ترين‌ اين‌ مناطق‌ عبارتند از: مشرق‌ وخراسان‌ (كه‌ منظور از مشرق‌ همان‌ خراسان‌ است)، قم، ري‌ ويمن.

در روايات‌ زير، گروه‌ زمينه‌سازان‌ به‌ مناطق‌ فوق‌ منتسب‌ شده‌اند:1- زمينه‌سازان‌ مشرق‌<حاكم> در مستدرك‌ صحيحين‌ از عبدالله‌ بن‌ مسعود نقل‌ كرده‌ است‌

وي‌ گفت:

<اَتانا رسول‌ الله(ص) فخرج‌ الينا مستبشراً يُعرف‌ السّرور في‌ وجهه، فما سألناه‌ عن‌ شيءٍ الاّ اخبرنا به‌ ولا سكتنا اِلاّ ابتداءنا حتّي‌ مَر فتيهٌ مِن بني‌ هاشم‌ منهم‌ الحسن‌ والحسين، فلمّا راهم‌ التزمهم‌ وانهملت‌ عيناه، فقلنا: يا رسول‌ اللّه، ما نزال‌ نري في‌ وجهك شيئاً نكره؟ فقال: اِنّا اهل‌ بيتٍ اختار اللّه‌ لنا الاخره‌ علي‌ الدّنيا، وانّه‌ سيلقي‌ اهل‌ بيتي‌ من‌ بعدي‌ تطريداً وتشريداً في‌ البلاد حتّي‌ ترتفع‌ راياتٌ سودٌ في‌ المشرق، فيسألون‌ الحقّ لا يعطونه، ثم يسألون‌ فلا يعطونه، ثمّ يسألونه‌ فلا يعطونه‌ - فيقاتلون‌ - فينصرون. فمن‌ ادركه‌ منكم‌ ومِن ‏ اعقابكم‌ فَل ‏يَأتِ اِمامَ اهل‌ بيتي، ولو حَبَو ‏ا علي‌ الثّلج، فانّها رايات‌ هُدي، يدفعونها الي‌ رجلٍ مِن ‏ اهل‌ بيتي>.1

<[روزي] رسول‌ خدا، صلّي‌اللهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم، با شادماني‌ تمام‌ به‌ سوي‌ ما آمد، به‌ گونه‌اي‌ كه‌ برق‌ شادي‌ در نگاهش‌ مي‌درخشيد. هر چه‌ مي‌پرسيديم، پاسخ‌ مي‌گفت، وهرگاه‌ سكوت‌ مي‌كرديم، خود شروع‌ مي‌فرمود؛ تا آن‌ كه‌ گروهي‌ از جوانان‌ بني‌ هاشم‌ - كه‌ امام‌ حسن‌ وامام‌ حسين،عليهماالسلا‌م، - در ميانشان‌ بودند، آمدند كه‌ از مقابل‌ ما بگذرند. حضرت‌ همين‌ كه‌ آنان‌ را ديد در آغوششان‌ كشيد واشك‌ از ديدگان‌ مباركش‌ جاري‌ شد. گفتيم: اي‌ فرستادهِ‌ خدا! چيست‌ كه‌ پيوسته‌ در چهرهِ‌ شما چيزي‌ مي‌بينيم‌ كه‌ خوش‌ نداريم. فرمود: ما خانداني‌ هستيم‌ كه‌ خداي‌ تعالي‌ آخرت‌ را در مقابل‌ دنيا براي‌ ما برگزيده‌ است. پس‌ از من‌ خاندانم‌ رانده‌ وآوارهِ‌ شهرها گردند تا آن‌ كه‌ پرچم‌هايي‌ سياه‌ در مشرق‌ سربلند كنند. حق‌ را طلبند وبديشان‌ ندهند، در برهه‌اي‌ ديگر حق‌ را طلب‌ كنند وبديشان‌ ندهند، وباز نيز چنين‌ شود، پس‌ آن‌ گاه‌ نبرد كنند وپيروز شوند. [سپس‌ فرمود:] هر كه‌ از شما يا فرزندان‌تان‌ چنين‌ روزي‌ را درك‌ كرد نزد امامي‌ كه‌ از خاندانم‌ مي‌باشد، حاضر شود - اگرچه‌ جامه‌ به‌ خود پيچد وبر برف‌ گام‌ نهد - زيرا اين‌ پرچم‌ها پرچم‌هاي‌ هدايتند كه‌ آن‌ها را به‌ مردي‌ از خاندانم‌ تقديم‌ كنند.>

ابي‌ خالد كابلي‌ از حضرت‌ امام‌ جعفر صادق، عليه‌السلا‌م، روايت‌ كند كه‌ فرمود:

<كَأَ‌نّي بقومٍ قد خرجوا بالمشرقِ يطلبون‌ الحقّ فَلا يُعَط ‏ونَهُ ثُم يطلبونه، فاذا رَاَو ‏ا ذلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُم ‏ عَلي عَواتِقِهِم ‏ فيعطون‌ ما شاوُِوا فلايقبلونه‌ حتّي‌ يقوموا ولايدفعونها الاّاِلي صاحبكم‌ قَت ‏لاهُم ‏ شُهَداءُ، اَمااِنّي لَو ‏اَد ‏رَك ‏تُ ذلِكَ لاَ بقيتُ نَف ‏سي لصاحب‌ هذاالامر>.2

<گويا مي‌بينم‌ مردمي‌ را كه‌ در مشرق‌ قيام‌ كرده‌اند وحق‌ را مي‌طلبند وبديشان‌ داده‌ نمي‌شود، وليكن‌ از پاي‌ نمي‌نشينند. از اين‌ رو سلاح‌ بر مي‌گيرند، در نتيجه‌ آنچه‌ مي‌خواستند بديشان‌ داده‌ مي‌شود، اما نمي‌پذيرند تا آن‌ كه‌ قيام‌ مي‌كنند و حكومت‌ را به‌ كسي‌ جز صاحب‌ شما [امام‌ عصر(عج)] تحويل‌ نمي‌دهند. كشته‌شدگان‌ از آنان، شهيدند. آگاه‌ باشيد كه‌ اگر من‌ در آن‌ زمان‌ حضور داشتم، وجودم‌ را وقف‌ صاحب‌ اين‌ امر مي‌كردم.>

2- زمينه‌سازان‌ خراسان‌

‌محمد بن‌ حنفيه، در روايتي‌ كه‌ به‌ صور مختلف‌ نقل‌ شده‌ وليكن‌ ظهور دارد كه‌ از امام‌ علي،‌عليه‌السلا‌م، است، گويد:

<ثُم تخرج‌ رايه‌ مِن ‏ خُراسانَ يهزمون‌ اصحاب‌ السّفياني‌ حتّي‌ تنزل‌ ببيت‌ المقدس‌ توطيء للمهدي‌ سلطانه.>3

<پرچمي‌ از خراسان‌ بيرون‌ مي‌آيد، [حاملان‌ اين‌ پرچم] اصحاب‌ سفياني‌ را شكست‌ داده‌ تا به‌ بيت‌المقدس‌ مي‌رسند وزمينهِ‌ حكومت‌ حضرت‌ مهدي(عج) را فراهم‌ مي‌سازند.>

3- ‌زمينه‌سازان‌ قم‌ و ري‌

‌علاّمهِ‌ مجلسي‌ در بحارالانوار روايت‌ كرده‌ است:

<رجلٌ مِن ‏ اَهلِ قُم‌ يدعو النّاس‌ الي‌ الحقّ يَجتمع‌ معه‌ قومٌ كَزُبرِ الحديدِ، لا تزلّهم‌ الرياح‌ العواصف، لا يَمِلُّونَ من‌ الحرب‌ ولا يجبنونَ وعلي‌ اللّه‌ يتوكّلونَ والعاقبه‌ للمتّقين.>4

<مردي‌ از اهالي‌ قم‌ مردم‌ را به‌ حق‌ مي‌خواند، گروهي‌ كه‌ دل‌هاي‌ آنان‌ چون‌ پاره‌هاي‌ آهن‌ است‌ گرد او جمع‌ شوند، طوفان‌هاي‌ سخت‌ نلرزاندشان، از جنگ‌ خسته‌ نشوند وبيمي‌ به‌ خود راه‌ ندهند، بر خدا توكّل‌ كنند وعاقبت‌ [نيك] از آن‌ پرهيزگاران‌ است.>

4- ‌زمينه‌سازان‌ يمن‌

‌حضرت‌ امام‌ محمدباقر، عليه‌السلا‌م، درباره‌ي‌ رهبري‌ يماني‌ قبل‌ از ظهور امام عصر، عليه‌السلا‌م، فرموده‌ است:

<... وليس‌ في‌ الرايات‌ اهدي من‌ رايه‌ اليماني، هي‌ رايه‌ هدي لانّه‌ يدعو الي صاحبكم‌ ... .>5

<... در ميان‌ پرچم‌ها پرچمي‌ هدايت‌ يافته‌تر از پرچم‌ يماني‌ نيست. آن‌ پرچم، پرچم‌ ارشاد است؛ زيرا [مردم‌ را] به‌ سوي‌ صاحب‌ شما [امام‌ عصر، عليه‌السلا‌م] فرا مي‌خواند ...>

‌نشانه‌هاي‌ زمينه‌سازان‌ ظهور

1- گروه‌ محكم‌ واستوار

‌نخستين‌ چيزي‌ كه‌ در اين‌ قشر جلب‌ نظر مي‌كند، صلابت، نيرومندي واستواري‌ آنان‌ است. بنابراين‌ آنان‌ قوي‌ وزورمندند كه‌ زمين‌ را براي‌ ظهور امام، عليه‌السلا‌م، آماده‌ مي‌سازند.

حضرت‌ امام‌ جعفرصادق،عليه‌السلا‌م، در روايتي‌ كه‌ محمد بن‌ يعقوب‌ كليني‌ آن‌ را در ذيل‌ آيهِ‌ <فاذا جاء وعدُ اولاهما بعثنا عليكم‌ عباداً لنا اُولي بأسٍ شديد>6 آورده، <بندگان‌ سخت‌ نيرومند> را به‌ همين‌ قشر تفسير كرده‌ است.

چنان‌ كه‌ در روايت، به‌ صفتِ عجيبِ <قلوبهم‌ كزبر الحديد، لا تزلّهم‌ الرياح‌ العواصف>.7 توصيف‌ شده‌اند. با آن‌ كه‌ داراي‌ <دل> هستند وطبيعت‌ دل، نرمي‌ ورافت‌ است، ليكن‌ اين‌ دل‌ها در رويارويي‌ با طاغوت‌ها وستمگران‌ به‌ تكّه‌هاي‌ آهن‌ بدل‌ مي‌شوند كه‌ ديگر نرمي‌ ورقّت‌ نمي‌شناسند.

صلابت‌ ونيرومندي‌ از ويژگي‌هاي‌ نسل‌هايي‌ است‌ كه‌ خداي‌ تعالي‌ مسؤ‌وليت‌ تغيير [نظام‌هاي‌ اجتماعي] وايجاد انقلاب‌ را به‌ دوش‌ آنان‌ گذاشته‌ است، همچنين‌ اين‌ دو صفت‌ از ويژگي‌ نسل‌هايي‌ است‌ كه‌ خداي‌ تعالي‌ آنان‌ را در گردنه‌هاي‌ بزرگ‌ تاريخ‌ براي‌ انتقال‌ مردم‌ از مرحله‌اي‌ به‌ مرحلهِ‌ ديگر برگزيده‌ وگروه‌ زمينه‌سازان، داراي‌ اين‌ ويژگي‌هاست.

2- گروه‌ مبارزه‌ ونافرماني‌

‌وظيفهِ‌ اين‌ گروه، مبارزه‌ با نظام‌ جهاني‌ وعصيان‌ عليه‌ آن‌ است. چه‌ مي‌داني نظام‌ جهاني‌ چيست‌ وچگونه‌ اين‌ نظام‌ در خدمت‌ به‌ ابرقدرت‌ها وهم‌پيمانان‌ آن‌ها وحفظ‌ مراكز قدرت‌ وموقعيت‌ استراتژيكي‌شان‌ در مناطق‌ مختلف‌ دنيا عمل‌ مي‌كند؟!

مسؤ‌وليت‌ حفظ‌ اين‌ مراكز قدرت، مسؤ‌وليتي‌ بسيار دشوار وظريف‌ است‌ كه‌ نظام‌ جهاني‌ در تمام‌ سطوح‌ دنيا - نه‌ در سطوح‌ منطقه‌اي‌ يا كشوري‌ فقط‌ - بدان‌ پايبند است.

اين‌ نظام، از يك‌ سري‌ معادلات‌ وموازنه‌هاي‌ سياسي، اقتصادي، نظامي‌ وخبري‌ دقيق‌ شكل‌ گرفته‌ است، ونيز از رژيم‌هاي‌ اعضاي‌ خانوادهِ‌ جهاني‌ ومجموعه‌اي‌ از خطوط‌ قرمز وسبز وزردي‌ كه‌ در ميان‌ اين‌ رژيم‌ها واين‌ مجموعه‌ در زمينهِ‌ حوادث، امتيازها، تنظيم‌ نقش‌ها، تقسيم‌ درآمدها، بازار ومنابع‌ ثروت‌ ومناطق‌ نفوذ برقرار است.

به‌ نظر ما، اين‌ مجموعهِ‌ پيچيده‌ است‌ كه‌ قدرت‌هاي‌ بزرگ‌ را به‌ سلطه‌ بر دنيا قادر ساخته‌ است؛ چنان‌ كه‌ يك‌ اهرم8 كوچك، انسان‌ را در جا به‌ جايي‌ اجسام‌ سنگين‌ به‌ كم‌ترين‌ حركت، توانا مي‌سازد. از اين‌ رو نظام‌ جهاني، قبل‌ وبعد از سقوط‌ اتحاد جماهير شوروي، همچنان‌ نزد همگان‌ احترامش‌ را حفظ‌ كرده‌ است؛ زيرا هر يك‌ از آنان‌ به‌ قدر گستره‌ وتوان‌ خويش‌ از اين‌ نظام‌ بهره‌ مي‌برد.

اين‌ جوانان‌ (زمينه‌سازان‌ ظهور امام‌ عصر، عليه‌السلا‌م) به‌ سادگي‌ وبي‌هيچ‌ ترديدي، اين‌ خطوط‌ قرمز را زير پا مي‌گذارند، معادلات‌ وموازنه‌هايي‌ را كه‌ همه‌ بر آن‌ توافق‌ دارند وبدان‌ به‌ ديدهِ‌ قبول‌ واحترام‌ مي‌نگرند بر هم‌ مي‌زنند. همچنين‌ استقرار وتوازن‌ وهيبت‌ جهاني‌ اين‌ رژيم‌ها وسازمان‌هاي‌ بين‌المللي‌ را بي‌اعتبار مي‌سازند.

اين‌ سازمان‌ها ورژيم‌ها، نه‌ قدرت‌ سلطه‌ بر اين‌ جوانان‌ را دارند، نه‌ قدرت‌ تحمّل‌ اينان‌ را ونه‌ قدرت‌ دفع‌شان‌ را؛ زيرا بيشترين‌ توان‌ اين‌ حكومت‌ها وهيبت‌ جهاني‌شان‌ در رويارويي‌ با حكومت‌ها وسازمان‌هايي‌ همانند خودشان‌ است‌ وآخرين‌ سلاح‌ آنان‌ قتل، زندان، شكنجه‌ وتبعيد، حال‌ آن‌ كه‌ اين‌ جوانان‌ از هيچ‌ يك‌ از اين‌ امور نمي‌هراسند.

از اين‌ رو، وصفي‌ كه‌ در روايت‌ دربارهِ‌ اين‌ قشر به‌ كار رفته، بسيار دقيق‌ است:

<لا تزلّهم‌ الرياح‌ العواصف، لا يملّون‌ من‌ الحرب‌ ولا يجبنون‌ وعلي‌ اللّه‌ يتوكّلون‌ والعاقبه‌ للمتّقين.>

<آنان‌ را تندبادها نلرزاند، از نبرد دلتنگ‌ وملول‌ نشوند ونهراسند، وبر خدا توكل‌ كنند وعاقبت‌ [نيك] از آن‌ پارسايان‌ است.>

بي‌گمان‌ آن‌ كه‌ [در دل] هراسي‌ ندارد، از نبرد خسته‌ ودلتنگ‌ نمي‌شود وتندبادها نيز طبيعتاً او را تكان‌ نخواهند داد، نيرو وامتياز اينان‌ در آن‌ است‌ كه‌ نمي‌هراسند ومشكل‌ اينان‌ از ديدگاه‌ حكومت‌ها وقدرت‌هاي‌ بزرگ‌ در همين‌ نكته‌ نهفته‌ است.

در موسم‌ انتخابات‌ عمومي‌ رياست‌ جمهوري‌ آمريكا، در دورهِ‌ رئيس‌ جمهوري‌ اسبق‌ (كارتر) گفتگويي‌ تلويزيوني‌ در ضمن‌ فعاليت‌هاي‌ تبليغاتي‌اي‌ كه‌ كانديداهاي‌ رياست‌ جمهوري‌ امريكا داشتند ميان‌ رئيس‌ جمهور اسبق‌ وكانديداي‌ ديگري‌ كه‌ در انتخابات‌ از كارتر پيشي‌ گرفت، برگزار شد. در اين‌ برنامه، كانديداي‌ اخير رو به‌ كارتر كرد وگفت:

<در حادثه‌ انفجار مقرّ نيروي‌ دريايي‌ امريكا در بيروت‌ (مارينز)، به‌ هيبت‌ جهاني‌ آمريكا خدشه‌ زيادي‌ وارد شد وتو - خطاب‌ به‌ كارتر - به‌ تنهايي‌ بايدمسؤ‌وليت‌ كامل‌اين‌ خسارت‌ را به‌ عهده‌ بگيري.>

رئيس‌ جمهور نيز در يك‌ جمله‌ پاسخ‌ او را چنين‌ داد:

<فكر مي‌كني‌ من‌ در مقابل‌ انساني‌ كه‌ به‌ طلب‌ كشته‌ شدن‌ آمده‌ چه‌ مي‌توانم‌ بكنم؟! نهايت‌ كاري‌ كه‌ مي‌توانم‌ بكنم‌ اين‌ است‌ كه‌ مردم‌ را باترس‌ وتهديد ازامثال‌ چنين‌ اقدامي‌ بازدارم، امّااگر كسي‌ كه‌ دست‌ به‌ چنين‌ انفجاري‌ زده‌ خود طالب‌ مرگ‌ باشد وبه‌ سوي‌ مرگ‌ آغوش‌ بگشايد، چگونه‌ مي‌توانم‌ وي‌ را از اين‌ كار بازدارم؟ واگر تو در موقعيت‌ من‌ بودي‌ چه‌ كار مي‌توانستي‌ بكني؟!>

اين‌ها برخي‌ مشخّصه‌هاي‌ نسل‌ مبارزي‌است‌ كه‌ در رويارويي‌ با رژيم‌ها وقدرت‌هاي‌ بزرگ‌ در عراق، ايران، افغانستان، لبنان، فلسطين، الجزاير، مصر، سودان‌ واخيراً در چچن‌ وبوسني‌ وهرزگوين‌ پا به‌ عرصه‌ نهادند.

كار اين‌ نسل‌ بسيار عجيب‌ است؛ در عين‌ حالي‌ كه‌ در قبضهِ‌ قدرت‌ وسلطه‌ وشلاّق‌ جلادان‌ قرار دارد وآنان‌ انواع‌ عذاب‌ها وشكنجه‌ها را بدو مي‌چشانند، بديشان‌ ناسزا مي‌گويد وفرزندانش‌ در مقابل‌ آنان‌ سر خم‌ نمي‌كنند ونرمي‌ نمي‌پذيرند ... ونه‌ فرياد مي‌كشند. چنان‌ كه‌ يكي‌ از اين‌ فرزندان‌ مبارز آن‌ گاه‌ كه‌ زير شكنجه‌هاي‌ جلادان، انواع‌ عذاب‌ها را مي‌چشيد، به‌ شكنجه‌گر جلاد چنين‌ گفت:

<حسرت‌ شنيدن‌ يك‌ آخ‌ را هم‌ بر دلت‌ خواهم‌ گذاشت!>

3- بازتاب‌هاي‌ جهاني‌

‌بازتاب‌هاي‌ جهاني‌ در مقابل‌ اين‌ نسل‌ - چنان‌ كه‌ در روايات‌ بدان‌ تصريح شده‌ است‌- بازتابي‌ خشمگينانه‌ ومتعرّضانه‌ است؛ زيرا اين‌ نسل، معادلات‌ وموازنه‌هاي‌ جهاني‌ را با چالش‌هاي‌ سخت‌ وحقيقي‌ مواجه‌ مي‌سازد؛ از اين‌ رو عكس‌العمل‌هاي‌ جهاني‌ در مقابل‌ او با عصبانيت‌ وغضب‌ دايمي‌ بازشناخته‌ مي‌شود.

ابان‌ بن‌ تغلب‌ از حضرت‌ امام‌ صادق، عليه‌السلا‌م، چنين‌ نقل‌ كرده‌ است:

<اِذا ظَهَرَت ‏ رايه‌ الحقّ لعنها اهل‌ الشرق‌ واهل‌ الغرب، اَتدري‌ لِمَ ذلك؟ قلت: لا، قال: للّذي‌ يلقي‌النّاس‌ من‌ اهل‌ بيته‌ قبل‌ ظهوره>9

<آن‌ گاه‌ كه‌ پرچم‌ حق‌ آشكار شود، اهل‌ شرق‌ وغرب‌ لعنتش‌ كنند. آيا مي‌داني، براي‌ چه؟ گفتم: نه، فرمود: به‌ دليل‌ مشكلات‌ وچالش‌هايي‌ كه‌ اهل‌ بيت‌ او براي‌ [نظام‌هاي] شرق‌ وغرب‌ ايجاد خواهند كرد.>

اهل‌ بيت‌ وي‌ قبل‌ از ظهور، عادتاً زمينه‌سازان‌ ظهور هستند كه‌ مشكلاتي‌ را براي‌ اين‌ رژيم‌ها وسازمان‌ها فراهم‌ كرده‌ وراحتي‌ وآرامش‌ را از آنان‌ سلب‌ مي‌كنند. ثقه‌الاسلام‌ كليني‌ در كتاب‌ روضهِ‌ كافي‌ از امام‌ صادق، عليه‌السلا‌م، در تفسير سخن‌ خداي‌ تعالي: (بعثنا عليكم‌ عباداً لنا اولي بأسٍ شديدٍ)10 چنين‌ نقل‌ كرده‌ است:

<قومٌ يبعثهم‌ اللّهُ قبل‌ خروج‌ القائم‌ فلا يدعون‌ واتِراً لالِ محمّدٍ اِلاّ قتلوه>11

<گروهي‌ هستند كه‌ خداي‌ تعالي‌ قبل‌ از ظهور قائم، عليه‌السلا‌م،‌ بر مي‌انگيزد، آنان‌ هيچ‌ ستم‌كننده‌اي‌ به‌ خاندان‌ محمد، صلّي‌اللّهُ‌عليه‌وآله‌وسلّم، را رها نمي‌كنند، جز آن‌ كه‌ او را به‌ قتل‌ مي‌رسانند.>

بازتاب‌هاي‌ جهاني‌ كه‌ در اين‌ روايات‌ ذكر شده، تا حدّ زيادي‌ به‌ عكس‌العمل‌ دنياي‌ امروز در برابر بيداري‌ اسلاميي‌ كه‌ از آن‌ به‌ <بنيادگرايي‌ اسلامي> تعبير مي‌كنند وناجوانمردانه‌ترين‌ صفات‌ را چون‌ خشونت‌ وتروريسم‌ بدان‌ منتسب‌ مي‌سازند، شباهت‌ دارد.

‌برنامهِ‌ زمينه‌سازي‌

‌آماده‌سازي‌ دنيا براي‌ انقلاب‌ امام‌ عصر(عج) وظيفه‌اي‌ گسترده، بزرگ وپيچيده‌ است‌ كه‌ اين‌ گروه‌ در رويارويي‌ با ستمگران‌ وطاغوت‌هاي‌ مستكبر وسردمداران‌ كفر بدان‌ اقدام‌ مي‌كند.

اين‌ ستمگران، روي‌هم‌رفته‌ يك‌ جبههِ‌ سياسي‌ وسيع‌ را - به‌ رغم‌ تمام‌ تناقضاتي‌كه‌ در ميانشان‌ حاكم‌ است‌ - تشكيل‌ مي‌دهند. اين‌ جبهه‌ اهرم‌هاي‌ قدرت‌ زيادي‌ دراختيار دارد؛ اهرم‌هايي‌ چون‌ مال، اقتدار سياسي، نظامي‌ وتبليغاتي، ارتباطات‌ [گسترده] وتشكيلات‌ [پيچيده]، واز تمام‌ اين‌ وسايل‌ در كوبيدن‌ بيداري‌ نوپاي‌ اسلامي‌ ونابودي‌ آن‌ بهره‌ مي‌برد.

از اين‌ رو،‌ گروهي‌ كه‌ عهده‌دار آماده‌سازي‌ جهان‌ براي‌ ظهور امام‌ عصر، عليه‌السلا‌م، است،‌ به‌ ناچار مي‌بايد در رويارويي‌ با اين‌ نيروها از همان‌ تشكيلاتي‌ كه‌ جبههِ‌ استكبار جهاني‌ برخوردار است، برخوردار باشد. بلكه‌ با تربيت‌ ايماني‌ وجهادي‌ وآگاهي‌ سياسي‌ از دشمن‌ پيشي‌ گيرد.

بنابراين، طرح‌ زمينه‌سازي‌ براي‌ قيام‌ امام‌ عصر، عليه‌السلا‌م، كه‌ گروه‌ زمينه‌سازان‌ تدارك‌ مي‌بينند، داراي‌ دو جنبه‌ خواهد بود:

‌جنبهِ‌ اول‌

‌رشد ايماني، جهادي‌ وآگاهي‌ سياسي، اين، دقيقاً همان‌ چيزي‌ است‌ كه جبههِ‌ مقابل‌ فاقد آن‌ است.

جنبهِ‌دوم‌

[ايجاد] تشكيلات‌سياسي، نظامي، اقتصادي، اداري‌واطلاعاتي‌كه‌به ناچار در مانند چنين‌نبردي‌بايد موجود باشد.

بي‌گمان، گروه‌مؤ‌مني‌كه‌جهان‌را براي‌ظهور امام‌عصر، عليه‌السلا‌م، مهيا مي‌سازد؛ بايد چنين‌امكاناتي‌را فراهم‌كند؛ اگرچه‌[در اين‌زمينه] قدرت‌برابري‌با جبههِ‌جهاني‌دشمن‌را نداشته‌باشد.

اين‌تشكيلات‌سياسي، نظامي، اقتصادي‌واطلاعاتي‌بدون‌وجود نظام‌سياسي‌ودولت‌در جهان‌محقق‌نخواهد شد، واين، همان‌دولت‌زمينه‌سازان‌است‌كه‌روايات‌زيادي‌مژدهِ‌برپايي‌آن‌را داده‌اند وبه‌ناچار شكل‌گيري‌چنين‌نيرويي‌در زمين، ظهور امام، عليه‌السلا‌م، را نزديك‌مي‌گرداند، وبدون‌آن، عوامل‌طبيعي‌ظهور امام‌فراهم‌نمي‌آيد. كسب‌چنين‌نيرويي‌نيازمند عمل‌وحركت‌در متن‌زندگي‌است‌وفقط‌<مترصّد> بودن‌وبه‌<انتظار> نشستن، به‌معنيِ منفي‌آن، دردي‌را درمان‌نمي‌كند.

‌گروه‌انصار در روايات‌اسلامي‌

‌گروه‌زمينه‌سازان‌قيام‌امام‌مهدي، عليه‌السلا‌م،‌قبل‌از <گروه‌انصار> پا به‌عرصه‌مي‌گذارد وافراد گروه‌انصار از شاگردان‌نسل‌پيشين‌محسوب‌مي‌شوند واز آنان‌به‌واسطه‌ويژگي‌هاي‌منحصر به‌فردي‌كه‌دارند،‌بازشناخته‌مي‌شوند.

در اين‌جا، تنها يك‌نمونه‌از روايات‌وارد شده‌دربارهِ‌اين‌گروه‌را، كه‌روايتي‌است‌در باب‌<جوانان‌طالقان> نقل‌مي‌كنيم. اين‌روايات‌را فريقين‌(شيعه‌وسنّي) با اسناد خود نقل‌كرده‌اند.

‌جوانان‌طالقان‌

‌متقي‌هندي‌در <كنزالعمّال> وسيوطي‌در <الحاوي> دربارهِ‌انصار امام‌از <طالقان> چنين‌نقل‌كرده‌اند:

<وَي ‏حاً للطّالقان، فان لِلّهَ عزّ وجل‌بها كنوزاً لَي ‏سَت ‏ مِن ‏ ذهبٍ وفضّه، ولكن‌بها رجالٌ عرفوا اللّه‌حَق معرفته‌وهم‌انصار المهدي.>12

<خوشا به‌حال‌طالقان، همانا براي‌خداي‌باشكوه‌وبزرگ‌در طالقان‌گنج‌هايي‌است‌كه‌از طلا ونقره‌نيست، بلكه‌در آنجا مرداني‌هستند كه‌خدا را چنان‌كه‌حقّ معرفت‌اوست،‌شناخته‌اند وآنان‌ از ياوران‌مهدي، عليه‌السلا‌م،‌هستند.>

در روايتي‌ديگر چنين‌آمده‌است:

<بخ بخ للطّالقان>

<آفرين، آفرين‌بر طالقان>

علاّمهِ‌مجلسي‌در اين‌باره‌حديث‌مفصل‌تري‌را نقل‌كرده‌است:

<له‌كنزٌ بالطالقان‌ما هو بذهب‌ولا فضّه، ورايه‌لم‌تنشر مُذطُويت، ورجالٌ كَاَن قلوبهم‌زبر الحديد لا يشوبها شكُّ في‌ذات‌اللّهِ اَشَدُّ مِنَ ال ‏جَم ‏رِ، لو حَملوا علي‌الجبال‌لاَ َزالوها، لا يقصدون‌براياتهم‌بلده اِلاّ خربوها كَاَن علي‌خيولهم‌ال ‏عُق ‏بان، يتمسّحون‌بسرج‌الامام‌يطلبون‌بذل البركه، ويحفّون‌به‌ويقونه‌بانفسهم‌في‌الحروب، يبيتون‌قياماً علي‌اطرافهم‌ويصبحون‌علي‌خيولهم. رُهبان‌بالليل، ليوث‌بالنهار. هم‌اطوع‌من‌الا ‏ َمَه لسيّدها، كالمصابيح‌كَاَن في‌قلوبهم‌القناديل‌وهم‌من‌خشيته‌مشفقون. يدعون‌بالشهاده‌ويتّمنون‌ان‌يُق ‏تلوا في‌سبيل‌اللّهِ. شعارهم: يا لثارات‌الحسين. اِذا ساروا يسير الرعب‌اِمامهم‌مسيره‌شهر يمشون‌اِلي‌المولي اِرسالاً، بهم‌ينصراللّه‌اِمام‌الحقّ.>13

<براي‌او گنجي‌است‌در طالقان‌كه‌[از جنس] طلا ونقره‌نيست، وپرچمي‌است‌كه‌از هنگام‌فرو پيچيده‌شدن، گشوده‌نشده‌است، ومرداني‌است‌كه‌دل‌هاشان‌پاره‌هاي‌آهن‌است. در دل‌اين‌مردان‌شك‌در ذات‌الهي‌راه‌نيافته‌وسوزنده‌تر از پاره‌هاي‌اخگر است.14 ‌اگر به‌كوه‌ها حمله‌ور شوند، آن‌ها را متلاشي‌سازند، با پرچم‌هاشان‌آهنگ‌هيچ‌دياري‌را نكنند جز آن‌كه‌ويرانش‌سازند، گويي‌كه‌بر اسب‌هاشان‌عقابانند. براي‌بركت‌به‌زين‌اسب‌امام، عليه‌السلا‌م، دست‌كشند وگرداگرد او بگردند ودر نبردها با جان‌خويش‌ياري‌اش‌كنند.15 شب‌را به‌قيام‌وعبادت‌گذرانند وروز را بر اسبان‌خود، زاهدان‌شب‌وشيران‌روزند. اطاعت‌پذيرتر از كنيز به‌سرور خويشند. چونان‌چراغ‌هايند؛ انگار در دل‌هاشان‌چلچراغي‌هايي‌فروزان‌است‌واز بيم‌الهي‌ترسانند. براي‌شهادت‌دعا مي‌كنند وآرزوي‌كشته‌شدن‌در راه‌خدا را در سر مي‌پرورانند. شعارشان: "اي‌خون‌خواهان‌حسين!" است. آن‌گاه‌كه‌به‌راه‌افتند، ترس‌ووحشت‌پيشاپيش‌ايشان‌طول‌يك‌ماه‌را بپيمايد. متوجه‌مولا شوند وبه‌حركت‌درآيند. خداي‌تعالي‌بديشان‌امام‌حق‌را ياري‌رساند.>

‌ياران‌امام، جوانانند

‌در روايات‌به‌اين‌مسأله‌اشاره‌شده‌كه‌ياران‌امام‌عصر، عليه‌السلا‌م، را جوانان‌

تشكيل‌مي‌دهند وميانسال‌وكهنسال‌در ميانشان‌- جز به‌ندرت‌- پيدا نمي‌شود.

حضرت‌اميرمؤ‌منان،‌عليه‌السلا‌م، فرموده‌است:

<اصحاب‌المهدي‌شباب‌لا كهول‌فيهم، اِلاّ كمثل‌كُحل‌العين‌والملح‌في‌الزاد واقلّ الزاد الملح.>16

<ياران‌مهدي، عليه‌السلا‌م،‌جوانند وميانسال‌ در ميانشان‌نيست‌مگر به‌مثل‌سرمهِ‌چشم‌ونمك‌در غذا ونمك‌[هميشه] كم‌تر از غذاست‌(كنايه‌از آن‌كه‌پيران‌بسيار كم‌هستند).>

تعداد فرماندهان‌ياران‌امام‌

‌حضرت‌امام‌باقر، عليه‌السلا‌م، در روايتي‌مفصل‌در اين‌باره‌چنين‌فرموده‌است:

<فيجمع‌اللّه‌عليه‌اصحابه‌[وهُم ‏] ثلاثمئه‌وثلاثه‌عشر رجلاً، ويجمعهم‌اللّهُ عَلي غير ميعادٍ ... فيبايعونه‌بين‌الرّكن‌والمقام‌ومعه‌عهدٌ من‌رسول‌اللّه(ص) قد توارثته‌الابناء عن‌الاباء ... .>17

<وخداوند بي‌هيچ‌ميعادي‌يارانش‌را براي‌وي‌گرد ميآورد،‌در حالي‌كه‌سيصد وسيزده‌نفرند ... وحدّ فاصل‌رُكن‌ومقام‌[ابراهيم] با امام، عليه‌السلا‌م، بيعت‌مي‌كنند وبا آن‌حضرت‌عهدي‌است‌از رسول‌خدا كه‌پشت‌در پشت‌از پدرانش‌به‌ارث‌برده‌است.>

در برخي‌روايات‌اين‌تعدادي‌كه‌با امام‌عصر، عليه‌السلا‌م، بيعت‌مي‌كنند - در حدّ فاصل‌ركن‌ومقام‌- ‌تعداد فرماندهان‌لشكر امام، عليه‌السلا‌م،‌معرفي‌شده‌اند.

------------------

پي‌نوشت‌ها:

1. مستدر الصحيحين، حاكم‌نيشابوري، صفحات‌4، 464 و533.

2. بحارالانوار، ج‌52، ص‌243، (دار احياء التراث‌العربي‌ومؤ‌سسه‌التاريخ‌العربي، لبنان)؛ ونيز غيبت‌نعماني، انتشارات‌صدوق، باب‌14، ح‌50.

3. عصر الظهور، ص‌206.

4. بحارالانوار، ج‌60، ص‌216؛ ونيز سفينه‌البحار، ج‌2، ص‌446.

5. بحارالانوار، ج‌52، ص‌232.

6. سوره‌اسراء(17) آيه‌5: <پس‌آن‌گاه‌كه‌وعدهِ‌تحقق‌نخستين‌آن‌دو فرارسد، بندگاني‌ازخود را كه‌سخت‌نيرومندند بر شما مي‌گماريم‌... .>

7. دل‌هاشان‌همچون‌پاره‌هاي‌آهن‌است‌كه‌طوفان‌ها آنان‌را نلرزاند.

8. اهرم: ميلهِ‌آهني‌ضخيمي‌كه‌به‌وسيلهِ‌آن‌اجسام‌سنگين‌را جا به‌جا مي‌كنند.

9. بحارالانوار، ج‌52، ص‌363.

10. سوره‌اسراء (17) آيهِ‌5: <بندگاني‌از خود را كه‌سخت‌نيرومندند بر شما مي‌گماريم.>

11. كافي، ج‌8 (روضه)، ح‌250، ص‌142 (دار الاضواء بيروت)؛ سيماي‌حضرت‌مهدي‌در قرآن، سيدمهدي‌حائري‌قزويني، نشر آفاق، ص‌213.

12. كنزالعمّال، ج‌7، ص‌26.

13. بحارالانوار، ج‌52، ص‌307.

14. در نسخه‌اي‌ديگر به‌<سخت‌تر از سنگ> تعبير شده‌است.

15. در برخي‌نقل‌ها پس‌از اين‌جمله، فقره‌هاي‌زير اضافه‌شده‌است: <ويكفونه‌ما يريد فيهم، رجالٌ لا ينامون‌الليل، لهم‌دويُّ في‌صلاتهم‌كدويّ النّحل>؛ <هر انتظاري‌كه‌امام‌از اينان‌داشته‌باشد، كفايتش‌كنند، مرداني‌هستند كه‌شب‌نمي‌خوابند. در نماز خويش‌صدايي‌چون‌صداي‌زنبوران‌عسل‌دارند (كنايه‌از ابتهالي‌كه‌در نماز دارند).>

16. بحارالانوار، ج‌52، ص‌333.

17. همان، ص‌238 و239.